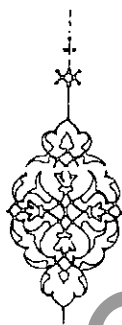
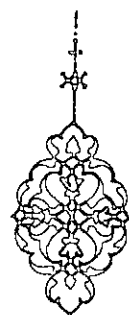


جدال خاطرات

(نقدی بر خاطرات چپ در ایران)



www.ketab.ir



شناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

فروست:

فهرست نویسی:

یادداشت:

عنوان دیگر:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

لالوی، محمود، ۱۳۴۶-

جدال خاطرات (نقدی بر خاطرات چپ در ایران) / تألیف محمود لالوی

تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.

۲۲۴ص

۷۰۰۰ ریال: ۸-۶۷۶-۴۱۹-۹۶۴-۹۷۸.

مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی: ۸۸۸. تاریخ انقلاب: ۶۴.

فیبا

کتابنامه: ص ۱۹۵.

نقدی بر خاطرات چپ در ایران.

حزب توده ایران - خاطرات.

حزب توده ایران - تاریخ - اسناد و مدارک.

مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

DSR۱۵۲۸/۱۲ ج ۴ ۱۳۹۲

۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲۲

۳۲۳۰۴۱۸



مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات

عنوان: جدال خاطرات (نقدی بر خاطرات چپ در ایران)

تألیف: محمود لالوی

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۷۰۰۰ تومان

حروفچینی و لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۶۷۶-۸

ISBN 978-964-419-676-8

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبروی پست پلین اسدی، پلاک ۱۹۵۴،
مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ فکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۱	 پیشگفتار

بخش اول:

۲۳	 کلیات
۲۵	 فصل اول: خاطرات و اهمیت آن
۳۱	 فصل دوم: انواع خاطره
۳۷	 فصل سوم: چرا خاطرات چپ؟

بخش دوم:

۴۱	 ساختار حزب توده
۴۳	 فصل اول: رفقای بالا
۴۹	 فصل دوم: رفقای پایین
۵۱	 آسیب‌شناسی ساختار حزب توده:
۵۱	 فراکسیون‌گرایی و باندبازی
۵۴	 از همبستگی تا وابستگی
۵۹	 سانترالیسم دموکراتیک

- انتقاد فدای انضباط ۶۰
- فصل سوم: تأثیر فروپاشی حزب و شوروی بر خاطره‌نویسی چپ ۶۵

بخش سوم:

- ویژگی‌های خاطرات چپ ۶۹
- فصل اول: پیش ۷۱
- فصل دوم: خودم‌محوری ۷۵
- فصل سوم: محتویات ۷۹
- فصل چهارم: انگیزه و منافع ۸۵
- فصل پنجم: عنوان ۹۷

بخش چهارم:

- نگاهی از برون به خاطرات (صندوقچه‌ی افسران) ۱۰۱
- فصل اول: خاطرات رفقای بالا ۱۰۵
- فصل دوم: خاطرات رفقای پایین ۱۲۹

بخش پنجم:

- خاطرات عبرت ۱۴۳
- فصل اول: خاطرات انشعاییون ۱۴۵
- فصل دوم: خاطرات افسران ۱۶۱
- فصل سوم: سراب سوسیالیسم ۱۷۵
- پیوست ۱۸۵
- کتابنامه ۱۹۵
- نمایه ۲۰۷

مقدمه

حوادث و وقایع گسترده‌ای در تاریخ معاصر ایران روی داده است و ثبت و تدوین این حوادث از نگاه بازیگران و شاهدان آن در قالب خاطرات، که مدعی‌اند گزارش دست اولی از هر حادثه به دست می‌دهند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. نوشتن خاطرات در اصل با هدف انتقال تجربه‌های نویسندگان آن به نسل جدید صورت می‌گیرد و خواه‌ناخواه حاوی درس‌ها و پیام‌هایی برای نسل‌های بعدی است و در این راستا تا اندازه‌ای کاستی‌های آثار دیگر را در روشن شدن زوایای تاریک و مبهم تاریخ این دوران آشکار می‌سازد. گرچه خاطرات به تنهایی نمی‌توانند اساس و پایه‌ی شناخت تاریخی محسوب شوند اما از ارکان اساسی آن به‌شمار می‌روند و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

از سوی دیگر اقبال جامعه‌ی ایران به مطالعه‌ی تاریخ معاصر ایران و مخصوصاً خاطرات، نشانگر آن است که هموطنان ما به دنبال یافتن بی‌واسطه‌ی ریشه‌ها و علل حوادث این دوره هستند. انتشار روزافزون تحقیقات تاریخی و همچنین انتشار گسترده‌ی خاطرات فعالان سیاسی و اجتماعی در دهه‌های اخیر، گواهی بر این علاقه‌ی وصف‌ناپذیر و تلاش جامعه‌ی ایران در شناختن همه‌جانبه‌ی گذشته‌ی خود و تجربه‌اندوزی از آن است.

گسترده‌ی و تنوع خاطرات و همچنین اعمال نگرش‌ها و سلیقه‌های شخصی و گروهی نویسندگان، باعث شده تا انبوه خاطرات با نگرش‌های متفاوت نوشته شود. زیرا خاطرات از یک طرف تجربه‌های شخصی و از سوی دیگر یکسونگری‌ها و

علاقه نویسندگان آن را نشان می‌دهد. وابستگی‌های عقیدتی و سازمانی هم، مانند نگرش‌های شخصی، نقشی مهم و تعیین‌کننده بر نگرش نویسنده‌ی خاطرات دارد.

اعضای حزب توده با نگارش گسترده‌ی خاطرات خود نمونه‌ی جالب این نگرش‌ها را در نوشته‌هایشان به نمایش گذاشته‌اند که در آن می‌توان علاوه بر خصوصیات عمومی خاطرات، ویژگی‌های خاصی از جمله هتاکی، تضاد عقیدتی، تسویه حساب شخصی و گروهی و صفات دیگری از این قبیل را سراغ گرفت. وجود این ویژگی‌ها در اغلب خاطرات مذکور باعث شد که پژوهش حاضر با نگاهی نقادانه به بررسی خاطرات اعضای سابق حزب توده پرداخته و ویژگی‌ها، مشخصات و روح کلی حاکم بر آنها را با ارائه‌ی مصادیق آشکار سازد.

در پایان ضمن تقدیر از مؤلف محترم، از ناظران علمی اثر، آقایان دکتر اکبر اشرفی، دکتر رشید جعفرپور، دکتر حمید بصیرت‌منش، داود قاسم‌پور و نیز همکاران محترم در مؤسسه‌ی فرهنگی هنری و انتشارات فدرالدی می‌شود.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیشگفتار

تاریخ معاصر ایران، از هنگام به قدرت رسیدن قاجار، شاهد تحولات گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده که عمدتاً منشأ بیرونی داشته‌است. به عبارتی برخورد منفعلانه‌ی ایران با دنیای خارج، به‌ویژه غرب تغییرات سریع و وسیع و درعین حال ناقصی را در ایران به وجود آورد.

این حوادث، بسیاری از سیاستمداران و مبارزان را درگیر مسائل و حوادث بزرگی ساخت، به‌طوری‌که جهت بررسی و شناخت علل و چگونگی هر حادثه و کشف زوایای پنهان آن می‌بایست افراد درگیر در این حوادث و همچنین کلیه‌ی آثار به‌جای‌مانده از ایشان از قبیل اسناد، مدارک، سخنرانی، مصاحبه و خاطرات را مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار داد که در این میان خاطرات جایگاه ویژه‌ای دارند.

در آستانه‌ی نهضت مشروطه، شرکت عموم ایرانیان، به‌ویژه طبقه‌ی روبه‌رشد متوسط و تحصیل‌کرده‌ی اجتماع در امور سیاسی افزایش یافت و طیف گسترده‌ای از جامعه درگیر مسائل سیاسی و اجتماعی شد. به‌طوری‌که پس از نهضت مشروطه علاوه بر حاکمان سنتی، گروه‌های نورسیده‌ی دیگری هم به فعالیت سیاسی پرداختند که تا قبل از این واقعه، در ساختار سیاسی ایران عامل تعیین‌کننده محسوب نمی‌شدند.

این قشر نوظهور با مرام‌ها و پایگاه‌های مختلف اجتماعی، ضمن جستجوی مشارکت سیاسی، خواستار تحول در ساختار سیاسی سنتی موجود بودند. تفاوت

پایگاه‌های اجتماعی و همچنین آموزه‌های سیاسی آنها موجب تفاوت نگرش آنها، نسبت به تغییرات آتی شد.

در آستانه‌ی نهضت مشروطه، ضرورت تغییر در ساختار اجتماعی و سیاسی موجود بر همگان مسلم و مبرهن بود: همه به آن باور داشتند و آن را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند. اما آنچه مورد اختلاف بود و به تدریج روشن‌تر می‌شد، سمت‌وسوی این تغییرات و تحولات بود که با گذشت زمان جهت‌گیری‌ها و به تبع آن اختلافات، بیشتر آشکار می‌شد. به عبارتی، در این امر که همه از استبداد قاجاری متنفر و خواستار سرنگونی آن بودند، اختلافی وجود نداشت اما درباره‌ی ساختار سیاسی جدید به تدریج اختلاف نظر به وجود آمد.

گروهی از این فعالان و مظاهر، ساختار سیاسی کشورهای اروپای غربی و آمریکا را نمونه‌ی مناسبی برای این ساختار جدید می‌دانستند. درحالی‌که گروهی دیگر، با پیروزی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه تحت تأثیر آن قرار گرفته، آن را برای الگوبرداری مناسب تشخیص می‌دادند. هر دوی این گروه‌ها بدون توجه به ساختار بومی جامعه‌ی ایران و عدم انطباق الگوهای وارداتی با واقعیت‌های موجود، مصرانه خواستار این الگوبرداری بودند. به عبارتی هر دو گروه بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود جامعه‌ی ایران، یک هدف را از دو مسیر جداگانه تعقیب می‌کردند. در مقابل این دو گروه، تفکر سومی معتقد بود پتانسیل درونی و اتکا به نیروهای ملی و دینی کشور قادر است بر مشکلات موجود فائق آمده و جامعه‌ای نوین بنیان گذارد.

فارغ از پایگاه و سمت‌وسوی فکری روشنفکران خواهان تغییر، عملکرد اینان در دوره‌ی پراشتاب تاریخ معاصر ایران نقطه‌ی عطفی در زندگی شخصی آنها و شاید ایران بود. اینان وقایع فراوانی را از سر گذرانده و یا اینکه شاهد بسیاری از این حوادث بوده‌اند. با پایان یافتن فعالیت سیاسی این افراد، تعدادی از آنها شروع به نگارش خاطرات خویش کردند. به تدریج این نوشته‌ها حجم انبوهی از اطلاعات را تشکیل داده که اکنون یکی از مهم‌ترین اسناد و منابع تاریخ معاصر ایران هستند.

آنچه به روند روبه‌گسترش ثبت خاطرات سرعت بخشید، وقوع انقلاب اسلامی و بطلان عملی تفکرات سیاسی غیریومی و وارداتی و الگوبرداری‌های شتاب‌زده و ناقص از غرب بود. اثبات عملی بطلان این تفکرات به معنای آخر راه بازیگران آن هم بود، زیرا برای آنها فرصت و فضای مناسبی به‌وجود آمد تا سرگذشت سیاسی و اجتماعی خود را در قالب خاطرات، که در واقع در بسیاری موارد کارنامه‌ی ناکامی‌های آنان هم بود، به رشته‌ی تحریر درآورند.

از میان بازیگران عرصه‌ی سیاسی ایران قبل از انقلاب اسلامی، پیروان مرام کمونیسم جایگاهی خاص دارند. گرچه اینان به‌نوعی اشاعه‌دهنده‌ی مرامی غیریومی بودند و به همین جهت هیچ‌گاه در داخل کشور پایگاهی عمده نیافته و به اهداف خویش نرسیدند، اما در عمل تا حدودی باعث تغییرات و تحولاتی در جامعه‌ی ایران قبل از انقلاب اسلامی شدند. این تأثیرگذاری در زمینه‌ی سیاست، اقتصاد و اجتماع قابل بررسی و مطالعه می‌باشد. همین فعل و انفعالات و ناکامی‌ها، سرگذشت این مکتب و پیروان آن را به موضوعی مناسب و جالب برای مطالعه تبدیل کرده است.

از این رهگذر، از فعالان چپ و به‌ویژه اعضای حزب توده خاطرات بسیاری در دست است که جایگاه مطالعاتی ارزشمندی دارند. این اهمیت نه از آن روست که عملکرد آنها و یا خاطراتشان فی‌نفسه دارای اهمیت هستند بلکه بیشتر به آن جهت می‌باشد که اسناد و مدارک مکتوب کمتری از فعالیت این افراد در دست است و اطلاعات موجود هم به علت پنهان‌کاری سیاسی و یا ضد و نقیض‌گویی‌های فعالان این جریان، مبهم و یا در تضاد و تناقض با یکدیگر است. لذا خاطرات ایشان را، علی‌رغم کاستی‌ها و اشکالات بسیار، در فقدان اسناد و مدارک مکتوب دیگر اعتبار زیادی بخشیده و آن را مکمل دیگر اسناد و مدارک آنها ساخته است؛ به‌طوری‌که محقق می‌بایست با رجوع به این دست‌نوشته‌ها، نقصان دیگر مآخذ و یا برداشت‌های ناصحیح خود را تا حدودی ترمیم نماید.

قبل از انقلاب مشروطه و با وقوع انقلاب روسیه، که بسیاری از ایرانیان مهاجر

درگیر آن بودند، به تدریج اندیشه‌ی چپ به ایران راه یافت. گرچه رسوخ اندیشه‌ی چپ در ابتدا کلی و تا اندازه‌ای مبهم بود، اما به تدریج سمت و سوی مشخصی یافت. با تشکیل حزب کمونیست ایران در بندرانزلی، باز هم این سمت و سوی مشخص‌تر گردید. در ابتدای دوران رضاشاه، حزب کمونیست ایران فعال بود تا اینکه نگرانی رضاشاه از این فعالیت‌ها منجر به سرکوب و دستگیری و متواری شدن کمونیست‌ها شد. با فعالیت گروه ۵۳ نفر، فعالیت‌های کمونیست‌ها در ایران از سر گرفته شد، اما در نطفه خفه شد. این گروه تماماً بازداشت گردیدند و تا اشغال ایران در جنگ دوم جهانی در زندان به سر بردند.

پس از اشغال ایران توسط متفقین و ایجاد فضای باز سیاسی، بار دیگر زمینه‌ی فعالیت کمونیست‌ها فراهم شد و حزب توده به وسیله‌ی کمونیست‌های قدیمی و به‌ویژه اعضای ۵۳ نفر در مهر ماه ۱۳۲۰ تشکیل گردید که در عمل تجدید فعالیت گسترده و سازماندهی شده و متمرکز کمونیست‌ها بود.

حزب توده از زمان تشکیل تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، گرچه هیچ‌گاه قدرت سیاسی را در دست نداشت، اما تشکل سیاسی بالامیتی بود که تقریباً در تمام تحولات و حوادث این دوران حضوری پررنگ، مستمر و عموماً مخرب داشت. با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پس از انهدام شاخه‌ی نظامی این حزب، دوران اقتدار آن در ایران خاتمه یافت.

پس از انقلاب اسلامی، حزب توده بار دیگر فرصت یافت تا تکاپوهای سیاسی را از سرگیرد، اما فعالیت حزب در این دوران هم همانند ادوار قبل به دلیل معایب فکری و سازمانی و عملکرد مخرب و از همه مهم‌تر وابستگی بی‌چون و چرا به شوروی، دیری نپایید و این حزب بار دیگر دچار ادبار گردیده از همیشه ناکام‌تر شد.

در تمام فعالیت‌های سیاسی کمونیست‌ها و حزب توده افرادی شرکت داشتند که می‌توان ایشان را از مبارزان سیاسی دانست. این افراد در دوران مبارزات، حوادث بی‌شماری را از سر گذراندند به‌طوری‌که سرگذشت هریک از این افراد می‌تواند

خاطره‌ای جالب، هیجان‌انگیز، عبرت‌آموز و خواندنی از این تکاپوهای ناکام در اختیار خواننده قرار داده و نشان دهد که چگونه یک اندیشه‌ی ناصواب، خطا و وابسته به بیگانه، می‌تواند تمام این زحمات و مشقات را دچار ناکامی و یأس و درنهایت خسران سازد.

شرح این حوادث به جهت شرایط ویژه‌ی مبارزاتی، به‌طور کامل ثبت و ضبط نشد. به‌طوری‌که از بسیاری از این حوادث و علل آن نمی‌توان سند مکتوب و موثق به‌دست آورد، لذا شرکت‌کنندگان در این حوادث را تبدیل به تنها راویان این وقایع کرده و موجب کثرت خاطرات توده‌ای‌ها شد.

براین اساس، ازجمله اسباب و لوازم اساسی شناخت عمیق و دقیق گذشته، خاطرات شخصی افرادی است که در وقایع و حوادث این دوران نقش و تأثیر داشته و یا شاهد بی‌واسطه‌ی حوادث بوده‌اند از آنجایی که مطالعه و شناخت حوادث گذشته بدون استماع نظر نقش‌آفرینان و شاهدان آن، غیرممکن و یا ناقص خواهد بود، از مهم‌ترین راه‌های درک و شناخت واقعیت گذشته، مطالعه‌ی خاطرات افرادی است که به‌نحوی از انحاء از دور یا نزدیک دستی بر آتش داشته‌اند.

خاطرات توده‌ای‌ها از آن جهت اهمیت دارد که این حزب هیچ‌گاه قدرت را در دست نداشته و بیشتر به‌عنوان یک نیروی معارض غیرقانونی، در خفا به فعالیت سیاسی و نظامی پرداخته است. در این اوضاع هیچ‌گاه تمام واقعات مبارزاتی، بنابه ضرورت زمان و مکان و جنگ و گریزها و تحرکات دائمی ثبت و ضبط نمی‌شد. به‌عبارت دیگر، از این حوادث بنا به ضرورت، سند و مدرکی باقی نمانده تا پس از گذشت زمان برای کشف حقیقت مددکار محققان شود. بنابراین خاطرات این افراد، علی‌رغم سوگیری‌ها و جهت‌گیری‌ها و با تمام کاستی‌ها به عنوان منبعی لازم، ارزشمند و غیرقابل چشم‌پوشی برای محقق محسوب می‌شود که در مواردی می‌تواند مکمل و یا جایگزین دیگر مستندات وی محسوب شود و یا حتی سندی منحصر به فرد به حساب آید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی قاطع حزب توده و سازمان‌های آن در ایران، و سرانجام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان مروج و پشتیبان اصلی مرام کمونیسم در جهان، ناکارآمدی و بطلان اندیشه‌ی چپ در عمل آشکار شد. در این زمان، برای فعالان حزب توده و به‌طور کلی جریان چپ، که دوران مبارزات را به پایان رسانده و به دوران بازنشستگی پا گذاشته بودند، فرصت مناسبی برای نوشتن مکتوبات قلبی خود در قالب خاطرات فراهم آمد.

کتاب «جدال خاطرات» نقد و بررسی تضادها و رقابت‌های بازماندگان حزب توده و ادامه‌ی یک رفتار سیاسی معیوب در قالب خاطرات است. جدالی که گاه تا حد قسم‌خوردن، فحاشی، هتاکی و حتی تهدید پیش می‌رود. این جدال مسئله‌ی تازه‌ای نیست، بلکه آتش زیر خاکستری است که از همان تأسیس حزب توده و حتی اولین فعالیت کمونیست‌ها در ایران و به‌ویژه در میان گروه ۵۳ نفر وجود داشت. به‌عبارتی کیفیت نگارش خاطرات، شکل مبارزاتی نوینی از یک مشکل و معضل قدیمی و مزمن در میان فعالان چپ می‌باشد.

در گذشته، وجود موانعی بروز این فاش‌گری، افتراق، تقار و تضاد را ناممکن ساخته بود. فعالیت حزب توده تا چندی پس از انقلاب اسلامی با فراز و نشیب، ادامه داشت و به‌زعم طرفداران آن، برای به قدرت رسیدن آن هم امیدهایی بود. پس مصلحت‌اندیشی، حسابگری و امید به آینده، مانعی بزرگ برای نگارش بی‌پروای خاطرات محسوب می‌شد. حزب برادرِ بزرگ یعنی حزب کمونیست شوروی هنوز پابرجا بود و نفوذ معنوی و اقتدار سیاسی و نظامی آن ترساننده‌ی بسیاری از مخالفان درون و بیرون حزب بود. لذا نوشتن خاطرات و آشکارا ساختن اسرار مگوی حزبی و فردی و سخن گفتن از علل ناکامی‌ها، دور از حسابگری و مصلحت بود.

فروپاشی شوروی زمینه‌ی مناسب و بدون هراس را در مقابل دیدگان ناراضیان از حزب و مرام آن گشود. ظهور این افق جدید، نه تنها زمینه را برای نگارش خاطرات فراهم ساخت که در بسیاری موارد حتی مشوق توده‌ای‌ها در نگارش خاطراتشان و

بیان ناگفته‌ها شد، حتی افرادی که در رده‌های پایین حزبی هنوز زنده بودند، به نوشتن خاطرات خود پرداختند. افسران توده‌ای هم پس از ناکامی‌های پی‌درپی و به دلایلی مشابه خاطرات خود را نوشتند تا بدین‌وسیله حجم وسیعی از خاطرات سیاسی چپ پدید آید.

در اینجا لازم است به نکات اساسی دیگری که موجب غنای کمی و کیفی و جذابیت این دست خاطرات شده است، اشاره شود. در وهله‌ی اول حزب توده حوادث بی‌شماری را از سر گذراند، به‌طوری‌که تقریباً در دوره‌ی پهلوی و حتی اندکی پس از انقلاب اسلامی کمتر حادثه‌ی سیاسی را می‌توان سراغ گرفت که در آن رد پای حزب توده وجود نداشته باشد. از زمان تشکیل حزب توده و به‌قدرت‌رسیدن محمدرضا پهلوی که برحسب اتفاق مقارن همدیگر بود، تضاد این دو کانون قدرت همواره محسوس بود. در جریان اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم، امتیاز نفت شمال، بحران آذربایجان، ترور شاه، بحران ملی‌شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد، و در نهایت حوادث انقلاب اسلامی ردپای مخرب حزب توده با شدت و ضعف وجود دارد.

از زمان تشکیل این حزب، تضاد و مقابله‌ی آن با رژیم شاه محرز و جدی بود، شاید مهم‌ترین دغدغه‌ی رژیم شاه در طول سالیان دراز و به‌ویژه دهه‌ی ۳۰، حزب توده بود. شاه همواره این حزب را نماد وطن‌فروشی و خیانت می‌دانست و حتی برای اتهام‌زدن به مخالفان خود آنها را «توده‌ای» می‌نامید.

نکته‌ی دوم بی‌آبرویی و شکست‌های پی‌درپی حزب توده در سیاست‌گذاری و اعمال سیاسی است. این حزب حتی در زمان حضور نیروهای شوروی در ایران، با حمایت‌های بی‌پرده از زیاده‌خواهی‌های شوروی‌ها، متحمل بی‌آبرویی و شکست‌هایی خردکننده شد. به‌طوری‌که پس از خروج متفقین از ایران، اولین انشعاب بزرگ در این حزب صورت گرفت. سرانجام پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ضربات خردکننده‌ای بر پیکر آن، به‌ویژه شاخه‌ی نظامی‌اش که آن را «لکوموتیو حزب» می‌دانستند، با

دستگیری‌ها و اعدام‌های گسترده، وارد آمد.

مسئول این شکست‌ها چه کسانی و یا چه نهادهایی بودند؟ تقریباً تمامی اعضای حزب توده در نهایت با تجربه‌ای تلخ به این مسئله پی بردند که ایدئولوژی انحرافی و اعمال نفوذ ناروا و سوء سیاست‌های شوروی در این حزب، که آن را به صورت بازیچه و ملعبه‌ای جهت اجرای سیاست‌های خود به خدمت گرفته بود، عامل اصلی بدنامی و شکست حزب بوده است؛ به طوری که از جزئی‌ترین تا کلی‌ترین اعمال و حرکات و سیاست‌گذاری‌های حزب در یک قدرت شوروی و عمال پیدا و نهان آن در حزب بود.

در زمان اقتدار شوروی و حزب توده، کسی جرأت بیان آن را نداشت و افراد، تنها با متهم کردن همدیگر سعی می‌کردند عامل شکست‌ها را افراد و اشتباهات آنها و یا دسیسه‌های سرمایه‌داران معرفی کنند و در واقع سرپوشی بر علت اصلی شکست‌ها و ناکامی‌های حزب، یعنی تفکر مادی و غیراصیل و دخالت ناروای شوروی در عملکرد حزب، و سرانجام باندبازی اعضای مشد حزب گذاشته شود.

نکته‌ی سوم اینکه حزب توده تقریباً تنها حزب پایدار و سازماندهی‌شده در ایران بود (و متأسفانه توسط اجنبی ایجاد، حمایت و مدایت می‌شد) که علی‌رغم تمام کاستی‌ها و ناکامی‌هایش نمی‌توان منکر بعضی تأثیرات آن شد. به ویژه از نظر فکری این حزب توانست تا حدودی موجب تغییراتی در ایران شود، چرا که گروهی از متفکران که به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و حتی ادبی روی آوردند، مدتی همکاری با حزب توده را تجربه کرده و یا به نوعی با آن در ارتباط بودند. لذا بعضی وقایع و اتفاقات در تاریخ معاصر ایران شکل گرفت که مرتبط با حزب توده بود و می‌بایست ثبت می‌شد.

سرانجام اینکه، حزب توده از همان ابتدا عرصه‌ی فعالیت تعدادی از نخبگان و نویسندگان و به طور کلی افراد تحصیل کرده، و به زعم بعضی، محمل روشنفکری بود؛ یعنی افرادی که توانایی بیان و قلم شیوایی داشتند. عامل اخیر، اصلی اساسی در

سهولت به وجود آمدن کثرتِ خاطرات توده‌ای‌ها گردید. یعنی افرادی در حوادث سیاسی و اجتماعی این حزب نقش‌آفرینی کردند که نه تنها توانایی که اشتیاق لازم را برای ثبت و نگارش این فعالیت‌ها داشتند. بنابراین مجموعه‌ای قابل توجه از خاطرات توده‌ای‌ها پس از انقلاب اسلامی به وجود آمد، که زمینه نگارش آن بر اثر اضمحلال حزب توده و به دنبال آن فروپاشی شوروی به عنوان حامی آنها فراهم شده بود.

وجه تسمیه‌ی این کتاب ناشی از دو جهت و نیز خصیصه‌ی کاملاً آشکار خاطرات توده‌ای‌هاست. این خاطرات از دو جنبه‌ی درونی و بیرونی متضمن پیکار و جدال نویسندگان آن است. اول درگیری‌های درون‌حزبی بین فراکسیون‌ها، افراد و اشخاص با باندها و یا نگارندگان خاطرات با یکدیگر و یا حزب و شوروی است که تقریباً در کلیه‌ی خاطرات بازتاب یافته است. حتی انگیزه‌ی بسیاری در نگارش خاطرات همین اراده و نیت نبرد و مبارزه و پاسخگویی و یا اتهام به رفقای قدیم و رقبای جدید است. پس هر خاطره ضمن عقده‌گشایی، به نوعی ابزاری برای جدال و مبارزه و بیان نظرگاه‌های خویش در قبال رفقای حزبی، حزب و شوروی است. جنبه‌ی دیگر این خاطرات نوعی جنگ و جدال و مبارزه است اما مبارزه‌ای درونی و فکری. جدال فکری نویسنده‌ی خاطرات با خودش؛ جدالی که در پی یافتن پاسخی برای شکست‌ها و ناکامی‌های فردی، حزبی و اعتقادی آنها علی‌رغم مبارزات خستگی‌ناپذیر، زندان‌ها، اعدام‌ها، شکنجه‌های وحشتناک و سرانجام فرار و زندگی در غربت است. اکثر قریب به اتفاق خاطرات، مملو از تجزیه و تحلیل و به زعم خاطره‌نگار، تلاش برای علت‌یابی چنین ناکامی‌هایی است. هر خاطره‌ای که به‌ویژه توسط مهاجران به کشورهای شرقی یعنی مهد سوسیالیسم نوشته شده است، به نحوی تضاد و جدال درونی نویسنده را با خودش بازگو می‌کند. نویسنده درصدد یافتن علل ناکامی‌های مبارزاتی خویش است تا به این وسیله تا حدی به چالش درونی خود پاسخ گوید.

این‌گونه خاطرات از دو قسمت کاملاً مجزا تشکیل می‌شود: قسمت اول مربوط به

دوران آرمان‌خواهی نگارنده است؛ یعنی زمانی که نویسنده در جریان مبارزات قرار دارد و به دنبال تحقق مدینه‌ی فاضله‌ی خویش، در جامعه‌ی بدون عدالت ایران است. در این قسمت از خاطرات، انگیزه‌ی مبارزات، جریان مبارزات و در نهایت جان‌فشانی‌هایشان با استدلال‌ها و دلایلی که مطرح می‌شود، به اثبات می‌رسد. «رؤیا»، «تخیل» و «آرمان‌خواهی» بر تفکرات نگارنده‌ی خاطرات حاکم می‌باشد.

قسمت دوم خاطرات مربوط به دورانی است که نگارنده در عمل به‌نحوی با واقعیات روبرو می‌شود. این تصادم با واقعیت یا در نتیجه‌ی مهاجرت اجباری به شوروی و بلوک شرق و دیدن جامعه‌ی سوسیالیستی، که «مدینه‌ی فاضله‌ی خیالی» است، حاصل شده و یا پس از زندان‌های طولانی و آشکارشدن باطل و عبث‌بودن راه مبارزه به وجود آمده و باعث تحولات فکری نویسنده شده است. به‌هر صورت جدال درونی خاطره‌نویس از میان نوشته‌هایش هویداست. بر اکثر خاطرات ندامت، پشیمانی، یأس و ناامیدی و حرمان سایه افکنده و این پایان یک عمر مبارزه در راه ناصواب و خطاست.

از نگاهی دیگر خاطرات توده‌ای‌ها دارای اهمیت می‌باشد، زیرا به دلایلی حساسیت‌های زیادی در جامعه برمی‌انگیزد. تقریباً هر خاطره‌ی جدیدی ناگفته‌ها و رازهایی را برملا می‌سازد و افق جدیدی را پیش روی خواننده باز می‌کند. همچنین خاطره با هدف خاص نگاشته شده که بیشتر اتهامی جدید و رد اتهام است. گاهی هم خاطرات از آن‌چنان حساسیت‌های بالایی برخوردار است که چندین کتاب و مقاله و مباحث بی‌شماری در رد و یا اثبات مطالب آن خاطرات انتشار می‌یابد.

تعدادی از خاطرات توده‌ای‌ها هرچند که به جهت تمسک به دروغ و افترا و اتهام، ممکن است کم‌ارزش و بی‌مایه باشد، از این لطف خالی نیست که در پی شرایطی که پس از انتشار آن ایجاد می‌شود، قلم‌ها را به جنبش وامی‌دارد و افق جدیدی را برای تحقیق می‌گشاید و در نهایت به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به بازشدن گرهی کمک خواهد کرد. گرچه ممکن است این کمک هرچند به ظاهر نمود اندکی داشته باشد.

منظور از «جدال خاطرات» بررسی محتوای تک‌تک این خاطرات و بررسی صحت و سقم مطالب آنها نیست. بلکه هدف اصلی بیان نوع رابطه‌ی این خاطرات با یکدیگر و همچنین اثر کلی است که بر جامعه و ادبیات سیاسی می‌گذارد و بیان عبرت‌آموز بیراهه‌رفتن می‌باشد، چرا که در محتوای بیشتر این خاطرات به‌ویژه آنان که در رأس حزب توده بودند، کمتر می‌توان از صداقت و راستگویی نشانی یافت. مبارزانی شکست‌خورده و ناکام، همدیگر را به اشتباهاتی که منجر به ناکامی‌های بزرگ شد، متهم می‌سازند درحالی‌که خود به درجاتی شریک همان اشتباهات و متصف به همان صفات نکوهیده بودند و یا هستند که به دیگران نسبت داده و اکنون از آن انتقاد می‌کنند. آنچه اکنون آنها را مجاب به ایراد چنین اتهاماتی می‌کند، این است که قلم در دست داشته و امکان حمله به رقیب مهیاست و تنها به قاضی رفته‌اند، زیرا رقیب یا مرده‌اند و یا توان و امکانی برای پاسخگویی ندارند.

سرانجام اینکه شاید وجه غالب و مورد توجه این‌گونه خاطرات، که در بسیاری از آنها به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم وجود دارد، این نکته‌ی اساسی است که نمی‌توان با تکیه بر قدرت‌های خارجی و بدون تعامل سازنده با نیروهای درون جامعه‌ی ایران گام‌های مناسبی جهت رشد، شکوفایی و بالندگی این سرزمین برداشت و یگانه راه، استمدادجستن و تکیه‌کردن به نیروی گسترده‌ی مردم است. تک‌تک خاطرات چپ به‌خوبی نمودار این نکته‌ی اساسی است که با جدایی از مردم و وابستگی به قدرت خارجی، سرانجامی جز ناکجاآباد و شکست حاصل نخواهد شد.

محمود لالوی

Lalavi2010 @ gmail.com